عصیان

نشریه

شماره اول

مرداد 1389

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com

سنگسار سکینه محمدی

ریشه های ستم بر زن

ما برده نیستیم ... این طغیان آگاهی ست

اخبار زنان

حجاب اجباری ملغی باید گردد

بیانیه به مناسبت 8 مارس

ما..... عصیانگریم

این آغاز عصیان است. ما صدای دختران و زنانی هستیم که سالهاست زیر فشار قوانین مذهبی و ضد زن و مرد سالارانه جامعه و خانواده له شده اند.آمده ایم تا علیه این ستمها بایستیم. تلاش می کنیم تا آگاهی نسبت به این ستمها و تفکر پشت آن را اشاعه دهیم. در سال پر حادثه گذشته در سطح وسیع نشان دادیم که وضع موجود را تحمل نمی کنیم و حضور 3 نسل از زنان بعد از انقلاب در کنار یکدیگر در خیابانها مهر تایید این موضوع است. برای همین دزدیده شدیم ،کتک خوددیم ،دستگیر و زندانی شدیم و مورد تجاوز قرار گرفتیم و گور های بی نام و نشان پر شد از اجساد دختران و زنان شکنجه شده و مورد تجاوز قرار گرفته. اما ما کوتاه نمی آییم.نمی خواهیم سرمان پایین باشد. نمی خواهیم در مواقع لزوم برای رسیدن به قدرت از ما استفاده شود و بعد از آن به عمد فراموش شویم . ما خواهان دنیای دیگری هستیم. دنیای که در آن ستم و تبعیض بر زن موجود نباشد. دنیایی که ارزش زن تنها همسر بودن و مادر بودن نباشد. زن، جنس دوم و ضعیف و فرمانبردار نباشد. ما دختران نسلی هستیم که در سال57 فریاد بر آوردند"ما انقلاب نکردیم دتا به عقب برگردیم". اما واقعا آن انقلاب زنان را برای چند نسل و سالها به عقب پرتاب نمود و ما اکنون به پا خاسته ایم تا بایستیم. ما آمده ایم که عصیان کنیم. اما در این راه نمی توانیم تنها باشیم و به کمک و یاری همه زنان و دختران نیاز داریم.همه آنهایی که در خانه و جامعه مورد تبعیض و ستم قرار گرفته اند.

به ما بپیوندید
حضور ما وابسته به حضور و همکاری شماست
نشریه عصیان را در سطح وسیع پخش کنید
برای ما مقاله ،خبر و عکس و فیلم بفرستید
منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com

دو مقاله زیر به مناسبت ۸ مارس در اسفند ماه سال گذشته منتشر گردیده است

ما برده نیستیم...این طغیان آگاهیست!

آزاده صمیمی

حجاب اجباری نمی‌خواهیم، حکومت زور نمی خواهیم!
حکومت سنگسار نمی‌خواهیم!

۳۱ سال پیش زنان ایران در 8 مارس 1357علیه سیاستهای ضد زن حکومت تازه به قدرت رسیده و در راس همه آنها، مبارزه علیه حجاب اجباری و تمام مظاهر مردسالارانه در جامعه و خانواده به پا خاستند. زنان پرستار، معلم، کارگر، خانه دار، کارمندان، دانشجویان و جوانان همه برای اعتراض برخاستند. آنها نمایندگان یک انقلاب اجتماعی بودند که نمی خواستند به عقب برگردند.

این خیزش، 5 روز به طول انجامید.

یک خشونت بر حق بود علیه خشونت نا حق. اکنون ما دختران آن زنان هستیم. سالهاست که تمام قوانین، مناسبات، رفتارها در همه جای اجتماع از مدرسه و دانشگاه گرفته تا خیابان و محل کار و ... و در خانواده بردوشمان سنگینی می کند.

حجاب اجباریست! همه چیزتان را بپوشانید! دختر باید سنگین و محجوب باشد! گشت ارشاد و امنیت اخلاقی ولمان نمی کند. کوتاه پوشیدن ممنوع! تنگ ممنوع! بدن نما ممنوع! عیب است، جلوی مردها نخند! همه جا از مردها جدا میشویم، در اتوبوس، مترو، تالارهای عروسی. حالا هم که دانشگاه را می خواهند جدا کنند.

دانشگاه شهر دیگری قبول می شویم پدر اجازه نمی دهد که برویم. مگر میشه دختر تنها زندگی کنه؟ هر چقدر درس بخونی اول و آخرش باید آشپزی کنی. کهنه بشوری. بچه رو تر و خشک کنی.

حالا هم که طرح بومی گزینی راه افتاده و دخترها دیگه نمی توانند از شهرشون خارج بشوند.

زن یعنی همه اینها. زن یعنی برده، فرمانبردار. چشم بابا. چشم داداش. چشم شوهر. چشم پسرم. چشم همه مردان جامعه.

اما نه، دیگه بسه! به سر رسید زمان بندگی و بردگی!ما دختران همان زنانی هستیم که 31 سال پیش در همان آستانه حکومتتان به شما اعلام کردند که "ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم". نمی خواهیم و نمی گذاریم این ستم ادامه پیدا کند.

هشتم مارس یعنی روز جهانی زن در تقویم این حکومت هیچ جایی ندارد. چون زن در این جامعه جایی ندارد و درجه چندم محسوب می شود. در چند سال گذشته به شکلهای مختلف علیرغم سرکوب و شکنجه و زندان و تجاوزتلاش کردیم تا در این روز حرکتی صورت بگیرد. اما امسال برایمان متفاوت از سالهای پیش است. حضورمان در 9 ماه گذشته دنیا را تکان داد. در روزهای زیادی از امسال، ما در خیابان در تعداد زیاد و در کنار یکدیگر، دوباره متحد و خشمگین و با اراده فریاد زدیم، کتک خوردیم، دستگیر شدیم، زندان رفتیم، طعم تلخ تجاوز را چشیدیم و نداهای زیادی را از دست دادیم. اما ایستادیم و باز هم می ایستیم.

ما دختران و زنان جنگ جو و آگاه، در شرایطی که دیکتاتوری و ستم عریان حکومت برای ما عیانتر از قبل شده است و در شرایطی که به اندازه کافی از مناسبات مرد سالارنه در جامعه و خانواده به ستوه آمده ایم، در زمانی که دیگر قوانین و مناسبات و سایه سنگین مذهب را بر زندگی بر نمی تابیم، به هر قیمتی حتی تا پای جان ایستاده ایم برای به دست آوردن حق مان.

اولین حمله حکومت به زنان، اجباری کردن حجاب بود و اولین حمله و خواسته و مبارزه ما نیز همان است. در ادامه وضع قوانین بر اساس اصول مذهبی، روز زن شد تولد حضرت فاطمه. زنی مطیع که به خاطر پدر و شوهرش شد فاطمه. زن شد جنس دوم و مرد شد همه کاره. غیرت مردان روز به روز تقویت شد برای ممنوع کردن همه چیز برای زنان. برای ازدواج، اجازه مرد. برای طلاق، رضایت مرد. سقط جنین، اجازه مرد. برای

حضانت فرزندی که سهمت اگر بیشتر از مرد نباشد کمتر نیست قانون حق را به مرد داده. زن در این جامعه هیچ اختیاری از خود ندارد. خشونت خانگی، آمار بالای خود سوزی زنان، قتل های ناموسی و ... همه نشان از سرکوب و ستم بر زنان می باشد و هیچ نهاد قانونی برای حمایت از زنان موجود نیست. چرا؟ چون خود آنها همه این موارد را رواج داده اند و به مردان به عنوان صاحب و مالک زنان اجازه هر کاری را داده اند. اگر شکایت کنی باید ماهها و شاید هم سالها در دادگاهها رفت و آمد کنی تا در نهایت یا حق با تو نیست یا باید پشیمان شوی. سیاست حکومت از ابتدا بر علیه زنان بود. با وضع قوانین تبعیض آمیز ضد زن، ایجاد نهاد های قانونی ضد زن شامل کمیته های انقلاب اسلامی که در همان هنگامه به قدرت رسیدن این حکومت بر روی زنان اسید می پاشیدند و تیغ می کشیدند، گشت های ارشاد و... تقویت مذهب در تمام جوانب زندگی که همه بر علیه آزادی و حق و حقوق زنان می باشدازجمله کتک زدن زنی که فرمانبردار مردش نیست و اجازه داشتن چند همسر که اینروز ها هم مجلس در حال تصویب این قانون با شرط اجازه همسر اول می باشد و تقویت مرد سالاری در جامعه و خانواده شمشیر را بر علیه زنان از رو بست.

طی 9 ما گذشته بسیاری از مردم ایران در خیابانهای کشور به مبارزه مرگ و زندگی برای آزادی و رهایی دست زده اند، نظامی که طی سه دهه گذشته از طریق دیکتاتوری مذهبی، سرکوب، کشتار، غارت و چپاول را به اکثریت مردم ایران و علاوه بر اینها آپارتاید جنسی را به زنان تحمیل کرده است.

در 9 ماه اخیر در حالیکه همه دنیا شاهد بود و به آن اذعان نمود، زنان حضور حداکثری خود را در خیابانها به رخ کشیدند. همه دیدند که زنان در شعارها و مبارزات نقش مهمی در رهبری را ایفاء کردند. سنگر ساختند و مشت های پر از سنگشان را همه دنیا مشاهده کردند.

هیچ گرایشی اعم از اصلاح طلب و اصولگرا در هیچ دوره ای از تاریخ 31 ساله این حکومت نه تنها در جهت حقوق زنان تلاش نکرد بلکه بر عکس نیز عمل کرد. اما در مواردی که نیاز داشتند از نیروی زنان استفاده کردند. حکومت که سالها از زاویه سیاسی و ایدئولوژیک تلاش کرده بود تا این نیمه جامعه را سرکوب کند با شدید ترین و وحشیانه ترین شکل ممکن با زنان برخورد کرد.

در این میان رهبران جنبش سبزکه خود را رهبران جنبش اعتراضی مردم می دانند به عنوان بخشی از حاکمیت هیچ گاه در هیچ مصاحبه و بیانیه ای از حقوق زنان صحبتی نکردند. در هیچ کدام از تظاهراتهای 9 ماه گذشته مردم، هیچ گاه شعاری در دفاع از حقوق زنان و ستمی که در جامعه و خانواده بر آنها می رود سر داده نشد. همین بس که بدانیم آنها نیز قطعا همان سیاستهایی را در قبال زنان خواهند داشت که در 30 سال گذشته موجود بوده است و آنها نیز در آن نقش داشته اند..

چرا بعد از 22 بهمن رهبران سبز روز 8 مارس را به عنوان روزی دیگر برای اعتراض انتخاب نکردند؟ ا لبته اگر هم این کار را بکنند آزادی زن برای آنها از روسری گلدار زیر چادر و انتخاب وزیر زن و گرفتن دست همسر در تبلیغات فراتر نخواهد رفت. آنها تنها قصد دارند که دستی بر روی سیاستهای نظام بکشند و آن را ترمیم بکنند. که قطعا مسئله زن در این میان جایی ندارد.اما تا وقتی این حکومت هست، مذهب و مردسالاری هم هست. اینها یعنی آزادی زن غدغن.

اکنون ما، نداهای خیابان، دختران معترض که 9 ماه در کنار همه مردم در خیابانها فریاد اعتراض سر دادیم، از همه زنان و مردان آزادیخواه که بر علیه سیاستهای موجود می باشند می خواهیم تا در روز 8 مارس،17 اسفند ، روز جهانی زن یکبار دیگر اعتراض خود را علیه حکومت در راستای ستم بر زنان نشان دهند.

از همه زنان و دختران می خواهیم تا با در دست داشتن عکس های کشته شدگان اخیر که در راه آزادی جان باختند وبا در دست داشتن و پخش تراکت هایی با شعار" مرگ بر حجاب اجباری" و"رهایی زن، رهایی جامعه" و

با شعار نویسی بر علیه حجاب اجباری و رهایی زنان با ماژیک و اسپری بر روی دیوار ها نشان دهیم که رهایی زن ممکن است اگر همه بخواهیم و برای آن بجنگیم. در اعتراضهای خیابانی همه نا ممکن ها را ممکن کردیم و هیچ چیز دور از دسترس نیست.

در روز 8 مارس همانند بسیاری دیگر از روزهای سال همچون 18 تیر و 16 آذر که خواب را بر حکومت حرام می کند به خیابانها می آییم. حتی برای چند دقیقه و حتی با یک شعار. اجازه ندهیم همراهانمان، دختران و زنان را دستگیر کنند. آمار بالای دستگیری زنان در 22 بهمن نشان داد که رژیم مرکز ثقل مبارزات را نشانه گرفته است.

واقعیت این است که حضور هزاران زن و دختر جوان در صف نخست مبارزات جاری، بر تارک این جنبش مهر آزادی و رهایی زنان را برجسته کرده است. جنبش های اجتماعی پر قدرتی در سالهای اخیر با خواسته هایی چون برچیدن تمامی نیروهای سرکوبگر کنترل زنان درسراسر کشور، پایان بخشیدن به کلیه قوانین سرکوبگرانه مذهبی و غیر مذهبی علیه زنان، مانند سنگسار، حجاب اجباری و قصاص، برچیدن مسجد و نیروهای نظامی از دانشگاهها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و لغو سانسور، حق تشکل های مستقل برای کارگران و سایر اقشار و طبقات جامعه شکل گرفته است. اینها خواسته های پایه ای است که اکثریت مردم در اشتیاق کسب آن مبارزه می کنند. تجربه دولت های اصلاح طلب خاتمی نشان داد که این خواسته ها را نمی توان با کم و زیاد کردن غلظت اسلام در نظام حاکم، و یا جابجائی باندهای قدرت در این دولت بدست آورد. برقراری جامعه ای آزاد، سکولار و دمکراتیک فقط از طریق پایان بخشیدن به این نوع حکومت ها ممکن است.

ما دختران شورشی هستیم و برای اینکه زندگی مان در ظرف و لباس شستن، زاییدن و بچه بزرگ کردن، کهنه شستن، پوسیدن در زیر مقنعه و چادر و روسری، تحلیل رفتن در ادارات و شرکت ها به ازای کمترین دستمزد هدر نرود، خوشبختی را در مبارزه جست و جو می کنیم. می خواهیم زندگی کنیم برای زندگی و زنده بودن. زندگی نمی کنیم برای مردن و دنیای پس از آن. در راه زندگی از مرگ نمی هراسیم.

مرگ بر آپارتاید جنسی!

بیانیه به مناسبت روز جهانی زن

" امروز روز توست روز زن
جریان آب را بر می گردانیم
می دانیم که برده هیچ کس نیستیم
خواهران و برادرانت را بیاب
آنان که همه ی حقایق نهفته در گفته هایت را می شنوند
آنان که در این راه پشتیبانت می شوند "

بیش از یک قرن از زمانی که زنان جهان خشم خود را علیه ستم و استثمار جنسی ابراز نمودند سپری شده است. روز ۸ مارس مصادف با ۱۷ اسفند ماه، روز جهانی زن، روزی است که در حافظه تاریخی ایرانیان مبارزات چشمگیر ۵ روزه زنان در سال ۵۷ علیه حجاب اجباری را تداعی می نماید. زنان در این روزها شلاق، شکنجه و زندان را به جان خریدند اما از مبارزه بر سر حقوق خویش دست نکشیدند.

در ماههای اخیر شاهد حضور با شکوه زنان در اعتراضات خیابانی بوده ایم. این در صورتی است که با وجود درصد بالای جضور زنان شعارهایی در زمینه حذف تبعیض و ستم جنسی شنیده نشد. تلاش سران اصلاحات یا به عبارتی سبزها در مسکوت نگه داشتن خواست رهایی زنان بی دلیل نبوده است. هر حرکتی در جهت رهایی زنان و تلاش برای تحقق ان اساس نظام را مورد ضرب قرار می دهد و در طول این مدت همگان شاهد بودیم که رهبران موج سبز بر ضد کسانی که کلیت این نظام ارتجاعی را

هدف قرار داده اند موضع می گرفتندو در تمام سی و یک سال حاکمیت جمهوری اسلامی ۸ مارس به عنوان یک روز رسمی قلمداد نگردید و هم اکنون نیز دیده می شود که موج سبز این روز را برای اعتراض انتخاب نمی نماید. تنها مسئله در این ارتباط اهداف موج سبز است اینان هرگز علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی اقدامی صورت نمی دهند و در ظاهر خواهان اصلاحاتی در درون همین نظام پوسیده هستند. ما بر این عقیده ایم که نظام مبتنی بر حاکمیت دینی هرگز نخواهد توانست منافع عمومی زنان و به طبع کل جامعه را تأمین نماید.

از این رو و از آنجا که اعمال ستم های جنسی و طبقاتی به زنان آنان را به نیروی مهم در جهت تغییرات بنیادین بدل کرده است، متشکل شدن زنان در جهت دستیابی به آزادی و برابری ضروری است تا بدینوسیله با نیرویی توفنده و برنامه ای منسجم در مسیر رهایی خود و جامعه گام بردارند. در این مسیر، جنبش زنان در اتحاد با سایر جنبش های مردمی پیش خواهد رفت و به واسطه حضور حداکثری دختران در دانشگاه ها، جنبش دانشجویی می تواند در این مسیر نقش مهمی را ایفا نماید. همانظور که شاهد برگزاری با شکوه مراسم ۸ مارس در سال ۸۵ بودیم امید است در روزهای آتی شاهد حرکت های آگاهی بخش، رادیکال و تاریخ ساز از سوی دانشجویان باشیم.

این روز عرصه همه زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی است که خواهان رفع هر گونه ستم جنسیتی هستند. در این روز با حضور گسترده در خیابان فریاد رهایی سر می دهیم و تا بر چیدن نظام مرد سالار از پای نمی شینیم.

ما زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم
حجاب اجباری نمی خوایم نمی خوایم
آزادی و حق زن معیار انقلاب است
ما زنان همصدا متحد می شویم تا برکنیم ریشه ظلم و استثمار

ریشه های ستم بر زن

روشان بخشی

اطراف خود را که خوب بنگریم درخواهیم یافت که تاکنون زنی نبوده که به خاطر زن بودن مزه تبعیض و ستم و استثمار را نچشیده باشد. هنگامه-ی کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی زنان سرشار از چنین لحظاتی است. لحظه هایی که ما را وا می دارد از خود بپرسیم: چرا چنین است؟ و پاسخ می شنویم چنین است چون ما زن-ایم. آیا از آغاز چنین بوده؟ در طول تاریخ زنان همواره جنس دوم و ضعیف بوده اند؟ پاسخ این سوالات را نه در لفاظی های مردسالارانه و نه روایات کتب مقدس - که خود بقایایی از رسومی در دوره خاص از تکامل تمدن بشری هستند- می توان یافت. ستم-کشیدگی زنان یک مساله-ی تاریخی و جهانی است. زنان قرن-هاست در همه-ی جوامع ستم می-بینند، ولی شدت و ضعف آن به موقعیت مشخص هر جامعه -، سطح رشد اقتصادی، فرهنگ، نفوذ مذهب، سنن و آداب، و سطح تشکل و مبارزه-ی زنان، بستگی دارد.

اما نخست برخی دلایل درباب افسانه فرودستی زنان را نقل میکنیم:

برخی بیولوژی و ساختار بدن زن را سرنوشت محتوم او می-دانند و این ساختار است که به او وظایف مادری و مراقبت از فرزندان را بخشیده است، به قول ایولین رید "این خفت صرفاً ماحصل نهادهای ساخته شده به دست انسان و ناشی از قوانین جامعه تقسیم شده به طبقات و پدرسالار است و به هیچ وجه در جوامع اولیه بی-طبقه و در دنیای وحوش این گونه نبوده است" درحقیقت این پندار تحریفی تاریخی است تا ستم کشیدگی زنان بر مبنای ساختار بدن او توجیه کند در این مورد پس دیگر نیازی به مبارزه زنان نیست و نابرابری-ها ناشی از ساختار بدنی است. اگر زنان ابزار زادوولد هستند مردان نیز جز اسباب تولید مثل نیستند. این تولید انسان جدید که از واقعیت طبیعی زایا بودن زنان ناشی می-شود به ستم کشیدگی آنان انجامیده است. مثلاً، در دوران اولیه جامعه بشری وظیفه-ی تولید نسل جدید حتی باعث برتری زنان شد. در واقع، این ادعا که موقعیت فرودست زنان همیشه وجود داشته و به-همین صورت نیز باقی خواهد ماند، شبیه این برداشت است که شکل خانواده نیز در همه-ی اعصار به-همین صورت بوده

است و می-دانیم که این حتی در یک قرن اخیر نیز صدق نمی-کند. این گونه بحث-ها اغلب این نتیجه-گیری را نیز به دنبال خواهد داشت که جای زنان در خانه و مسئولیت آنان نگهداری از فرزندان است، و این سرنوشت طبیعی زنان است.

یکی از نظرات فراگیر در این زمینه نظریه-ی زهدان است که متصور است تولیدمثل است که سرنوشت توانمندی-های بشر را تعیین می-کند. "زن گویا به دلیل عملکرد زهدانش کودن شده و نتوانسته مغز، استعداد و توانمندی های والاتر را در خود رشد دهد". در صورتی که جنس ماده در طبیعت در مقایسه با جنس نر هیچ گونه ناتوانی ناشی از ساختار بدنش ندارد اما در جوامع انسانی این-گونه مطرح شد که زن به دلیل دوران شیردهی و بارداری کمتر از مردان در فرآیند تولید نقش ایفا می-کنند حال آن-که کار بدون مزد زنان در خانه ارزانترین راه بازتولید نیروی کار است.

در جوامع اولیه، فعالیت اصلی اقتصادی، یعنی گردآوری خوراک، شکار حیوانات کوچک و انجام فعالیت-های ساده کشاورزی را اغلب زنان انجام می-دادند و درنتیجه از موقعیت برتری در جامعه برخوردار بودند. تحول فعالیت-های اقتصادی و تکامل ابزار تولید در جهتی بود که موجب شد زنان با توجه به وضعیت فیزیکی خود به تدریج ازعرصه-ی فعالیت-های اصلی تولیدی و اقتصادی خارج شدند. بر طبق گفته انگلس در شکار یا کشت وسیع-تر که مردان بیشتر درگیر آن بودند ابزار کاربه آنها تعلق گرفت و با تکامل این مسئله و تکامل خانواده که به جایگزینی نقش مرد در کنار تملک ابزار تولید و بوجود امدن اولین مرحله-ای که طبقات بوجود آمد،انجامید، زن به جنس دوم و برده تبدیل شد. بدین ترتیب، تقسیم کار اجتماعی به صورتی در آمد که زنان مسئولیت نگهداری از کودکان، انجام کارهای خانگی و حداکثر برخی از فعالیت-های تولیدی خانگی را بر عهده گرفتند و بنابراین موقعیت برتر اجتماعی خویش را نیز از دست دادند.

از سوی دیگر، با تجمع ابزار و مازاد تولید در دست عده معدودی، شکل گیری طبقات روند تاریخی خود را آغاز کرد. با بوجود آمدن طبقات ستم بر زن به شکل یک ستم مشخص در آمد. توجه صاحبان ثروت و ابزار تولید به حفظ و انتقال موروثی آن، لزوم تک همسری را برای زنان مطرح ساخت و بدین ترتیب خانواده به صورت کنونی خود نیز شکل گرفت و به صورت یک نهاد اجتماعی در درون جوامع طبقاتی پدیدار شد

تعدادی از اشکال جوامع بدوی که امروز در نقاط مختلف جهان پراکنده اند هنوز رفتار مادرسالاری و سنت-های کمابیش آن را ادامه می-دهند. این جوامع مادرتباراند و نسب را مادر است که تعیین می-کند. این قبایل در واقع بقایای دوران مادرسالاری است و گواهی بر نظام-های اجتماعی پیشین که نظریه ازلی بودن فرودستی زنان را رد می-کند و بر افسانه ازلی بودن ستم بر زن خط بطلانی می کشد. از نظر تاریخی پیش از چیره شدن نظام مردسالاری، چیزی به نام ستم مرد بر زن وجود نداشت. در جوامع مادر تبار سنگ بنای ساختار اجتماعی مساوات درهمه عرصه-ها بود. ستم-دیدگی زنان به عنوان جزئی لاینفک از یک جامعه ستمگر شکل گرفت که کمون مادرسالار را سرنگون کرد و جای آن را گرفت.

یکی دیگر از افسانه هایی که می کوشد زنان را جنس دوم برشمارد نظریه تقسیم کار اجتماعی است. طبق تبلیغات غالب تقسیم کار میان مرد و زن در جوامع بدوی و متمدن همیشه یکسان بوده و کار زن محدود به خانه و خانواده بوده است. گویی از آغاز تاریخ تقسیم کار مابین زن و شوهر صورت می گرفته است. زنان از کارهای اجتماعی که منجر به استقلال اقتصادی انان است منع شده اند. ازدواج و خانواده ترویج شده و قوانین ارتجاعی مربوط به جلوگیری از بارداری و سقط جنین تصویب می شوند. درحالی که حقیقت آن است که نخستین کار میان زن و مرد

از ابتدا تقسیم کار زن و شوهری و به شکل امروزی آن نبود. در جوامع بدوی زن و مرد هر دو کار اجتماعی انجام می دادند. نظام تولید اشتراکی آن ها با مواظبت و آموزش اجتماعی همراه بود. هم زاد و ولد و هم بزرگ کردن بچه ها کارهای اجتماعی بودند و زنان و مردان همراه هم آن را انجام می دادند.

تاریخ نویسان مدعی اند همگام با پیدایش اقتصاد نوین مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود که تقسیم کارهای جدید پا به عرصه گذاشتند و جایگزین تقسیم کار پیشین، مبتنی بر جنسیت شدند. همگام با رشد و تکثیر انبوه تقسیم کار و زیر مجموعه های آن ها، کارها به طور روزافزونی در دست مردها متمرکز شد و در نهایت انحصار در دست مردان قرار گرفت. در این ارتقای مردان و تنزل زنان نه تنها جایگاه پیشین تولید اجتماعی کنار گذاشته شد بلکه نظام پیشین که به طور اجتماعی از کودکان نگه داری می کرد رفته رفته نابود شد. به گفته ایولین رید تقسیم کار میان زن و مرد همیشه یکسان نبوده. تقسیم کار مبتنی بر چیرگی مردان، که همراه با پیدایش جامعه طبقاتی، مالکیت خصوصی و خانواده مبتنی بر مردسالاری پدید آمد بیانگر دستبرد عظیمی به زنان بود.

تغییر زندگی زنان در واقع ریشه در مناسبات تازه ای داشت که با تولید مازاد میان مردم گسترش یافت. روش های کشاورزی مبتنی بر استفاده کج بیل، شخم زنی سنگین و گاوداری و پرورش اسب تغییرات عمده ای را ایجاد کرد. در جوامعی که زنان این کارها را انجام می دادند نرخ زاد و ولد پایین بود و رشد جمعیت بسیار کند بود این جوامع کم کم جای خود را به جوامعی داد که زنان کمتر این نقش ها را به عهده داشتند. ستم زنان در تمام طبقات و جوامع تغییرناپذیر و یکپارچه نبود. ستم بر زنان در میان دهقانان و اشراف یکسان نبود و همچنین در میان بردگان زن و مرد. در بسیاری جوامع از هر حقوقی بی بهره و در برخی نواحی سهم الارث داشتند. شیوه-هایی که صاحبان ثروت در استواری پایه-های فرمانروایی خود به کار می-گرفتند رفته-رفته بخش بزرگ منابع جامعه را بلعید. هزینه-های خدمتگزاران و پلیس حرفه-ای، نیروی نظامی و بنای معابد و قصرها یا آرامگاه-های عظیم، بهره-کشی و ستم بیشتری را بر توده-ها ضروری ساخت و بهره-کشی و جور و ستم را به عنوان تنها راه تداوم جامعه بیشتر توجیه کرد و انگیزه دیگری برای جنگ و چنگ-انداختن به منابع دیگر فراهم کرد.

موقعیت فرودست زنان از نظر حقوق نابرابر اجتماعی واقتصادی، عدم استقلال فردی و همچنین محدودیت-های خانوادگی و جنسیتی، ناشی از ذاتی زنانه نیست که از ازل بوده و تا ابد نیز باقی بماند. وابستگی زن و فرودستی او به ماهیت مشخص کار و تقسیم اجتماعی آن و نقشی که جامعه به او محول می-کند بستگی دارد. تنها با چنین درکی از تاریخ و تکامل جوامع بشری است که ما زنان می توانیم به علل انقیاد و فرو دستی خود پی-بریم. تا ان هنگام که پذیرفته باشیم علل انقیاد ما طبیعت است و نه جامعه، مبارزه-ای در جهت رهایی خود انجام نداده-ایم. رهایی زنان به مناسبات حاکم در جامعه و دولت ارتباط مستقیم دارد و بدون مبارزه علیه این کلیت، رهایی زنان میسر نمی شود ▪

حجاب اجباری ملغی باید گردد

روشنک مینو

بار دیگر گیر دادن به حجاب زنان شروع شد. در طول حیات نظام جمهوری اسلامی همواره، حجاب جزو ارکان اساسی قوانین اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده است. رژیم، در دوره های مختلف تلاش نموده است، با استفاده از این اهرم، زنان را تحت فشار قرار داده و صدای اعتراض آنان را خاموش نماید. امروز نیز به دنبال حضور حداکثری زنان در میادین مبارزه، حکومت از این راه وارد شده است.

دختران نسل جوان همواره محدودیت هایی را که به دنبال حجاب اجباری متحمل گردیده اند، از یاد نخواهند برد. مانتو و روسری اجباری در سن ۶ سالگی، محدودیت در ورزش به خاطر اجبار در رعایت حجاب، محدودیت حضور در ورزشگاه و تماشای مستقیم فوتبال، تحمل گرمای مضاعف در فصل تابستان، اینها و دهها محدودیت دیگر حاصل قانون حجاب اجباری است. اصلاً چرا حجاب اینقدر برای حکومت مهم است؟ و اساساً چرا حجاب ابزار خوبی برای سرکوب است؟

اگر به تاریخچه ی حجاب نگاهی بیندازیم متوجه می شویم که حجاب همچون سایر قوانین اسلامی منحصر به دین اسلام نیست و در ادیان دیگر نیز وجود دارد . اساساً دین

اسلام یک تألیف از سایر ادیان است. اما هدف محمد از قرار دادن این قانون، تثبیت هر چه بیشتر مناسبات پدر سالارانه در عربستان بود. چراکه هنوز قبایلی وجود داشتند که مبتنی بر مناسبات مادر تبار زندگی می کردند. حجاب، سیطره ی مردان بر زنان را افزایش می داد. نظام جمهوری اسلامی نیز در جهت تحکیم روابط مردسالارانه گام برمی دارد. اما حجاب شرط لازم در تحکیم روابط مرد سالارانه نیست چرا که اکثریت کشورهای دنیا درعین دارابودن آزادی پوشش، درگیر روابط مردسالارانه هستند. در اکثریت آن کشورها آمار تجاوز و خشونت خانگی بالاست و دستمزد زنان در شرایط کار برابر با مردان کمتر است و مردان هستند که اکثریت جایگاه های مهم اجتماعی را دارا می باشند. این موارد و سایر مظاهر ستم بر زن کماکان در اقصی نقاط جهان موجود است.

اینکه جمهوری اسلامی از حجاب اجباری استفاده می نماید، ریشه در پایه های ایدئولوژیک نظام دارد. همانطور که گفته شد، اسلام، حافظ و نگهبان مردسالاری است و حیات هر دو در گرو یکدیگر است. در این دین، مرد به عنوان موجود برتر قلمداد گردیده و زن باید کنیز و فرمانبردار او باشد. از همین رو مالکیت مرد بر زن تضمین گردیده و حجاب اسلامی به منظور حفاظت از اموال، اجباری است. جمهوری اسلامی برای حفظ حیات خود ملزم به اجرای قوانین اسلامی است و حجاب یکی از ضروری ترین این قوانین است، از سوی دیگر این نظام قادر خواهد بود با این اقدام و تبلیغات ایدئولوژیک مداوم، بخشی از طرفداران حجاب را با خود متحد نماید، همانطور که از سوی برخی شنیده شده که جمهوری اسلامی را علی رغم تمامی نواقص به خاطر حجاب اجباری قبول می کنند.

با این وجود، جهوری اسلامی هدف اساسی دیگری را نیز در برجسته نمودن مسئله حجاب پیگیری می نماید. هدف سرکوب زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه و اکثریت نیروهای معترض نسبت به وضع موجود. به دنبال این هدف و سرکوب زنان و ایجاد شرایطی مثل گشت های ارشاد ، گشت تعیین نسبت ، کمیته های انقلاب اسلامی ، منکرات و سایر ابزار های سرکوب، در حقیقت تمامی افراد جامعه در فضایی امنیتی قرار می گیرد و حکومت نظامی عملاً توجیه یافته و برقرار می شود. مرد های معترض نیز تحت عنوان اراذل و مزاحمین نوامیس در کنار این اقدامات مورد ضرب قرار می گیرند و نظام در پس مبارزه با بدحجابی و حفظ شعائر اسلامی، هدف عمده خود یعنی سرکوب معترضین را تأمین می کند.

برهمین اساس است که تمامی معضلات و مسائل اجتماعی را که مردم در اعتراض به آنها به خیابان ها آمدند، به بدحجابی زنان نسبت می دهند. جریمه های سنگین برای بیرون بودن موی سر، لاک ناخن، آرایش و ... وضع می کنند. به دانشجویان دختر احکام سنگین انضباطی و تعلیق از تحصیل می دهند تا در نهایت مانع از حضور گسترده ی زنان مثل اعتراضات سال گذشته بشوند.

نتیجه آنکه، که حجاب در آنکه یک اصل اساسی ایدئولوژیک و مدهبی است ، یک مسئله ی کاملاً سیاسی نیز می باشد و ابزاری در جهت اعمال ستم و استثمار به کل جامعه. سیاسی بودن این مسئله باعث می شود که به مبارزه ای سیاسی با آن دست بزنیم. در یکسال اخیر شاهد بودیم که اعتراضات عمومی با وجود حضور حداکثری زنان، شعاری در ارتباط با مسائل زنان در بر نداشت. بنابراین نتیجه می گیریم که مبارزات زنان در جهت رهایی از مناسبات مبتنی بر جهل، خرافه و قوانین زن ستیز، در اتحاد با سایر جنبش ها و اعتراضات مردمی در جهت رهایی جامعه نقشی تعیین کننده دارا می باشد. گام نخستین جنبش زنان در مسیر دستیابی به این اهداف، لغو حجاب اجباری و دستیابی به جامعه ای است که دین و دولت در جدایی کامل قرار داشته باشند. پس در چهارچوب نظام مذهبی نمی توان از دستیابی به آزادی زنان سخن گفت. زیرا اسلام پایهٔ تمامی قوانین زن ستیز را شکل می دهد و حجاب عامل تعیین کننده در سرکوب زنان است.

اخبار زنان

سنگسار سکینه محمدی

سکینه محمدی آشتیانی از سال 1384 در زندان تبریز روز و شب را به سختی سپری می کند. سکینه در تاریخ ۲۷/۲/۸۵ به اتهام داشتن رابطه نامشروع به تحمل نود و نه ضربه شلاق تعزیری محکوم می گردد و بعد از انجام مجازات آزاد مي گردد. اما درست پس از 4 ماه ، موضوع پرونده در شعبه ششم دادگاه کیفری استان آذربایجان شرقی، مجددا به تبع پرونده قتلی مورد رسیدگی قرار می گیرد. . قضات شعبه ششم دادگاه کیفری استان، این بار اتهام زنای محصنه را منتسب به وي نموده و حکم به سنگسار این زن بی پناه صادر می نماید.

استمدادنامه فرزندان سکینه، متهم محکوم به سنگسار

نگذارید کابوس زندگیمان اتفاق بیفتد

به سنگسار شدن مادرمان اعتراض کنید

امروز دست ياري به سوي همه مردم دنيا دراز ميكنيم. پنج سال است كه بدون مهر مادري و با ترس و وحشت زندگي ميكنيم. آيا دنيا آنچنان ظالم است كه ميتواند اين فاجعه را ببيند و راحت از آن عبور كند ؟

ما فرزندان سكينه محمدي آشتياني هستيم. فريده و سجاد محمدي آشتياني. از سنين نوجواني با اين درد آشنا شديم كه مادرمان در زندان است و ما منتظر يک فاجعه نشسته ايم. راستش كلمه سنگسار، به خودي خود چنان ترسناک است كه ما سعي ميكنيم هيچگاه از آن استفاده نكنيم. ما ميگوييم، مادرمان در خطر است، مادرمان ممكنست كشته شود و مادرمان از همه انتظار دارد كمكش كنند.

امروز كه تقريبا همه راهها به بن بست رسيده و وكيل مادرمان ميگويد وضع مادر ما خطرناک است، به شما متوسل ميشويم. به مردم دنيا متوسل ميشويم، فرق نميكند رنگ پوستشان چيست و يا در كدام كشور و شهر زندگي ميكنند، به شما مردم ايران، به همه كسانيكه درد و زخم اينرا چشيده اند كه كشته شدن يک عزيز خانواده چقدر وحشتناک است، متوسل ميشويم. كمک كنيد مادر ما به خانه برگردد.

علاوه بر سکینه بسیاری دیگر از جمله "آذر باقری" که در ۱۵ سالگی دستگیر شد و "مریم قربانزاده" که باردار است در معرض سنگسار قرار دارند.

به دنبال اين وقايع،لاريجاني در پاسخ به اين سوال كه چرا هجمه رسانه‌هاي غربي در اين رابطه بسيار زياد بوده است، گفت: "هجمه‌اي كه غرب در اين رابطه به راه

انداخته، هيچ تاثيري در نظر قضات ما ندارد. اجراي احكام شرع مقدس اسلام مثل رجم، حجاب و ارث همواره با تخاصم وقيحانه آنها روبه‌رو بوده و اساسا هر مساله‌اي كه بوي احكام شرعي داشته باشد با مخالفت آنها روبه‌رو مي‌شود. وي تاكيد كرد كه قضات ما براساس قانون احكام خود را صادر مي‌كنند و انتظار ما اجراي دقيق قانون است و از آنها مي‌خواهيم با دقت تمام مسير دادرسي را پيگيري كنند."

اين واقعه به خوبي نشان مي دهد كه ساختار و چارچوب ديني اين نظام اصلاح پذير نبوده و تنها راه رهايي مبارزه عليه كليت اين نظام است.

س . 25ساله در حالیکه پشت فرمان اتوموبیل بوده است در فلکه دوم صادقیه توسط ماموران گشت امنیت اخلاقی متوقف می شود و به دلیل لاک ناخنش مبلغ صد هزار تومان جریمه می شود که همانجا با یکی از ماموران زن به عابر بانک مراجعه کرده و مبلغ مورد نظر را در ازای یک برگ جریمه از او می گیرند.

در ساعت 10 شب یکی از شبهای خرداد ماه رستورانی در شمال شهر تهران مورد هجوم ماموران امنیت اخلاقی و لباس شخصی قرار می گیرد.بنا به گفته یکی از مشتریان آنجا، حمله کنندگان همگی جوان و با لباسها و موهای مد روز بوده اند و همه مشتریان را با خود برده اند.بنا به گفته این فرد هیچ مورد خاصی دال بر بد حجابی در میان مشتریان وجود نداشت و همه خانوادگی در رستوران حضور داشتند.

در شهر رشت ماموران امنیت اخلاقی به دختری که همراه با مادرش بوده است به دلیل بی حجابی تذکر می دهند. دختر جوان کوتاه نمی آید و جواب ماموران را می دهد.اورا به همین دلیل دستگیر کرده و سوار ماشین می کنند.مادرش معترض شده و جلوی ماشین را می گیرد که او را هم با خود ببرند.اما ماموران به او توهین و بی احترامی می کنند. مردم که در اطراف شاهد این ماجرا بوده اند به کمک مادر و دختر می آیند و در گیری صورت می گیرد.با سنگ شیشه های ماشین گشت را نشانه می گیرند و کتک کاری می شود.ماموران فرار را به ماندن ترجیح می دهند و از بردن دختر جوان هم صرفنظر می کنند.

نشریه عصیان

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com